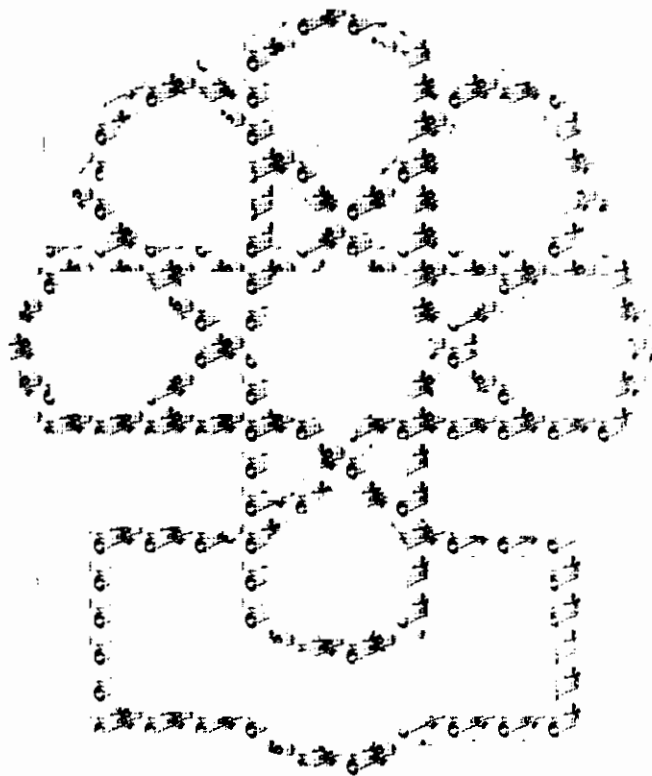


۴۲۷.

KA



# سیری در تطور تاریخی وزارت معارف و اوقاف در ایران



معاونت پژوهشی  
بهمن ۱۳۷۷

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

این گزارش بنا به درخواست جناب آقای سیدزاده نماینده محترم مردم  
مرند و جلفا تهیه و تدوین گردیده است.

کد گزارش: ۴۱۰۴۲۷۰

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی  
دفترخانه واحد اسناد  
شماره: ۱۴۵۲  
تاریخ: ۷۸ / ۲ / ۵

وزارت همواره به عنوان یکی از مقامات و ارکان سازمان حکومتی مطرح بوده و در تطور تاریخی خود، براساس شرایط و مقتضیات نقشی متغیر داشته است. تعداد مشاوران و مجریان و وظایف مقام سلطنت در دوران مختلف تاریخ متفاوت بوده و گاه این وظیفه به عهده یک نفر و گاه وزرای متعددی با مسئولیت‌های مشترک در کارهای جاری دولت دخالت داشته‌اند. در عصر حاضر و با افزوده شدن مجالس قانون‌گذاری بر سازمان مزبور، معنی و مفهوم وظایف دولت به عنوان قوه مجریه تغییر یافته است. وزارت معارف و اوقاف نیز به عنوان یکی از ارکان سازمان حکومتی از پیشینه‌ای تاریخی برخوردار بوده و در گزارش حاضر تطور تاریخی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

## فصل اول - تعریف وزارت و وظایف آن

«وزارت یکی از مقامات و ارکان سازمان حکومتی است. به گواه تاریخ، در دستگاه سلطنتی ایران پیش از مشروطیت که مقام سلطنت منشاء جامع اقتدار است سه گانه جامعه است، بی شبهه منصب وزارت به مفهوم واقعی عصر خود «معاونت و مشاورت» در حل و عقد کلیه امور مملکت مورد توجه بوده است و پس از مقام سلطنت مهم‌ترین و بالاترین سمت سیاسی رسمی از مقامات دولتی کشور به شمار می‌آمده است. با همه تحولات سیاسی و اجتماعی که در دوره‌های متغیر تاریخ شاهنشاهی ایران تا پیش از مشروطیت پیش آمده، ماهیت و مفهوم وزارت در اساس تغییری نیافته است و همچنان مقام معاونت از طرف پادشاه را در قوای عالی حکومت حفظ می‌کند. بررسی تاریخ حقوقی ایران در خصوص حکومت‌های ایران پیش از مشروطیت نشان دهنده حکومتی غیر مبتنی بر قوانین موضوعه پارلمانی می‌باشد که به خاطر نبود قواعد و مقررات عرفی مدرن در باب اختیارات و وظایف دولت و حدود و اقتدار آن، به مسئول نبودن وزیر در برابر ملت منجر می‌شد»<sup>۱</sup>.

تعداد مشاوران و مجریان و وظایف مقام سلطنت در دوران مختلف تاریخ متغیر بوده است، گاه این وظیفه به عهده یک تن بوده و زمانی نیز وزرای متعدد با مسئولیت‌های مشترک در کارهای جاری دولت دخالت داشته‌اند. آنچه که از تاریخ گذشته به دست ما رسید، نشان می‌دهد مقام وزارت - که سمت معاونت مقام سلطنت را در اعصار پیش از مشروطیت در سازمان حکومتی داشت - نماینده آن مقام در کلیه امور عمومی جامعه که در صلاحیت رئیس دولت «پادشاه» وقت قرار داشت، بوده است. در عصر حاضر که بر سازمان مزبور، مجالس قانون‌گذاری اضافه می‌شود و حکومت متکی بر قانون، عهده دار امور عمومی جامعه است،

۱. شجعی، زهرا، «نخبگان سیاسی ایران، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی»، جلد اول، وزارت و تطور آن در ایران، انتشارات سخن، سال ۱۳۷۲.

معنی و مفهوم وظایف دولت به عنوان قوه مجریه تغییر یافته و تکالیف و وظایف سیاسی و اداری این مقام نیز بر طبق قانون و احتیاج جامعه مشخص و معلوم می‌گردد.

در خصوص نوع وظایف اداری دولت به طور اعم (مقام سلطنت، هیئت وزرا) باید دانست که دامنه آن مآلاً با تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه، به ویژه فلسفه خاصی که حکومت وقت حامی آن است تغییر یافته و در مواردی گسترش پیدا می‌کند. با توجه به این عامل مهم می‌توان گفت: «هرچند که پاره‌ای از هدف‌های عمده و وظایف، همچنان جنبه اساسی و عمومی خود را در اصول حفظ می‌کنند، ولی هر کوششی که برای شناخت وظایف حکومت در ایران انجام می‌پذیرد باید مبتنی بر شناخت و بررسی کامل تاریخ حقوق عمومی به ویژه حقوق اداری آن باشد»<sup>۱</sup>.

## فصل دوم - وزارت معارف و اوقاف و تطور آن در ایران

### ۱-۲- سازمان‌ها و تشکیلات وزارتی در ایران باستان

از قرائن تاریخی چنین برمی‌آید که وزارت در این دوره از تاریخ، جنبه مشاورت و معاونت در مقام رئیس حکومت را داشته است. مقام قضا و داوری، امور مربوط به فرهنگ تعلیم و تربیت و سازمان‌های وابسته به آن و نیز موقوفات جامعه ایران آن روز از طرف دولت به طبقه روحانی واگذار شده بود و با وجود این که دیوان عدالتی وجود داشت، ولی در عمل هیئت دولت مداخله مستقیم در این امور نمی‌کرد و دخالت او بیشتر جنبه نظارت داشت و روحانیون امر داوری را برعهده داشتند.

در دوره سامانیان، از نه سازمان مرکزی که هر یک عهده دار یک رشته از امور اداری مملکت بوده‌اند نام برده شده که دیوان موقوفات یکی از این سازمان‌ها بوده است.

### ۲-۲- سازمان‌ها و تشکیلات وزارتی در ایران پس از اسلام

اداره امور ממکنتی مسلمانان در نیم قرن اول اسلام، بین سازمان‌های متفرق اداری تفکیک نشده بود و همه امور جامعه براساس احکام اسلامی، بدون تشکیلات و سازمان ویژه‌ای به نظارت و مداخله مستقیم شخص پیشوای اسلام انجام می‌گرفت.

در زمان خلافت «عمر» با گسترش دامنه فرمانروایی و افزایش میزان غنائم و درآمدها به تقلید از دوره ساسانیان و به پیشنهاد ایرانیان که نفوذ معنوی در دستگاه خلافت پیدا کرده بودند، لزوم ایجاد دفتری برای ثبت و نگه‌داری مداخل و مخارج قلمرو خلافت با عنوان «دیوان» در مرکز خلافت تشخیص داده شد و یک نفر به امور کتابت نامه‌های رسمی و حسابداری پرداخت. توسعه دیوان‌ها و افزایش متصدیان اداره امور دستگاه خلافت به تدریج صورت گرفت و به شعبات متعدد و تاحدی مستقل از یکدیگر منشعب گردید.

در عصر خلافت عباسیان، دیوان‌های زیر کارهای کشوری و لشکری را اداره می‌کردند و متصدیان هر یک از دیوان‌های مرکزی با عنوان صاحب دیوان بعد از مقام وزارت اعظم، مهم‌ترین مقام دولتی را در دستگاه حکومت خلف داشتند:

۱- دیوان جنبش؛

<sup>۱</sup> پیشین، ص ۹۱

۲- دیوان رسالت؛

۳- دیوان عرض؛

۴- دیوان برید؛

۵- دیوان نفقات؛

۶- دیوان خراج؛

۷- دیوان استیفا؛

۸- دیوان وظایف؛

۹- دیوان اقضاعات؛

۱۰- دیوان حرس؛

۱۱- دیوان اوقاف؛

۱۲- دیوان مظالم؛

۱۳- دیوان اشراف؛

۱۴- دیوان حسبه یا احتساب و رسیدگی به حرف و صنایع.

### ۲-۳- سازمان‌ها و تشیکلات وزارتی در ایران پیش از مشروطیت

در عصر صفوی، نظر به افزایش موقوفات و ضرورت متمرکز ساختن وظایف مربوط به آن در سازمان‌های اداری خاص، دیوان محاسبات موقوفه به وجود آمد.

تصدی این دیوان به طور معمول به عهده رئیس روحانی وقت - که در این عصر «صدرالصدور» نامیده می‌شد - بود. باید افزود که دیوان محاسبات موقوفه یا دفتر موقوفات به دو دایره مشخص زیر تقسیم می‌گردید:

۱- دایره موقوفات خاصه یا موقوفات سلطنتی؛

۲- دایره دوم، مخصوص موقوفات و اموالی که اشخاص یا مؤسسات خصوصی وقف می‌کردند.

تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ممالک مغرب زمین به دنبال نهضت عظیم صنعتی و سیر و انتقال آن به ایران از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بالطبع منشأ تحول در همه شئون اجتماعی کشور گردید و سازمان اداری خاصی از طرف دولت در این امر مهم نظارت و مداخله نداشت. توجه به امر تعلیم و تربیت و مداخله و نظارت مستقیم دولت در این امر از این جمله بود که از طریق تأسیس دارالفنون و وزارت علوم به عنوان اولین سازمان وزارتی در زمینه فرهنگ کشور تجلی یافت. هرچند دگرگونی حاصل از روزگار سلاطین قاجار را باید تقلید ناقص و نارسایی از تشکیلات حکومت‌های غرب دانست، ولی بی‌شک می‌توان آن را به عنوان زمینه اصلاحات و ایجاد تحول واقعی در ترکیب سازمان حکومت و دولت‌ها در نظام پارلمانی عصر مشروطیت پذیرفت. امور فرهنگی و سرپرستی آن که تا قبل از امیرکبیر جنبه شخصی داشت، در سال ۱۳۷۲ هجری قمری در سازمانی به نام وزارت علوم متمرکز شد و سرپرستی آن به عهده علیقلی میرزا اعتمادالسلطنه بدون عنوان وزارت واگذار گردید.

در سال ۱۲۸۹ هجری قمری به فرمان «ناصرالدین شاه»، «میرزا حسین خان مشیرالدوله» طرح تأسیس دارالشورای کبری (دربار اعظم) را تنظیم کرد و به موجب این طرح، اداره امور مملکت از وظایف مجلس

شورای وزرا مرکب از صدر اعظم و نه وزیر متصدی وزارتخانه‌های نه گانه به شرح زیر قرار گرفت:

- ۱- وزارت داخله؛
- ۲- وزارت خارجه؛
- ۳- وزارت جنگ؛
- ۴- وزارت مالیه؛
- ۵- وزارت عدلیه؛
- ۶- وزارت علوم؛
- ۷- وزارت فواید عامه؛
- ۸- وزارت تجارت و زراعت؛
- ۹- وزارت دربار؛

شایان ذکر است که تعداد وزارتخانه‌ها بارها دستخوش تغییر گردید، به طوری که در اواخر سال ۱۲۹۹ تعداد آنها به ۱۴ وزارتخانه افزایش یافت. اما از آنجا که توسعه و افزایش وظایف دولت و هدف‌ها تابع اصول فنی نبود، بارها و بنا به میل و اراده شاه بر تعداد وزارتخانه‌ها افزوده یا در هم ادغام می‌گردید تا آنجا که در بدو زمامداری مظفرالدین شاه و دوران انقلاب سیاسی ایران که مسیر تاریخ حکومت را تغییر داد، تعداد وزارتخانه‌ها به ۷ وزارتخانه: جنگ، مالیه، خارجه، علوم، خزانه و دربار کاهش یافته بود. این شیوه ترکیب در سازمان‌ها و تشکیلات مرکزی دولت ایران با افزایش و کاهش تعداد وزارتخانه‌ها تا انقلاب مشروطیت، همچنان صورت اصلی و ظاهری خود را حفظ کرد.

#### ۴-۲- سازمان‌ها و تشکیلات وزارتی در ایران پس از مشروطیت

«از مشخصات بارز حکومت ملی و اثرات وضعی آن در اداره عمومی جامعه ایران، منسوخ شدن اصل تمرکز اقتدار و اداره امور سیاسی و اداری کشور در شخص واحد و صورت قانونی بخشیدن به تقسیم و تفکیک وظایف دولت، اداره امور بین اعضای هیئت دولت به صورت مشورت با یکدیگر همراه با مسئولیت مشترک می‌باشد»<sup>۱</sup>

دخالت دولت در امر تعلیم و تربیت به طور دقیق و منظم، پس از پذیرش حکومت مشروطه و تدوین قوانین تشکیلاتی فرهنگ، مصوب ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ هجری قمری، قانون اساسی معارف مصوب ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ قمری (۹ آبان ۱۲۹۰ شمسی) و قانون شورای عالی معارف مصوب رجب ۱۳۴۰ قمری (۲۰ اسفند ۱۳۰۰ شمسی) آغاز شد. (ضمائم او ۲)<sup>۲</sup>

«شایان ذکر است که قدم‌های اساسی فوق در تدوین قوانین، با توجه به زمینه‌ای که در دوره دوم مشروطیت فراهم آمده بود، امکان بروز یافت و توجه بیش از پیش و مداخله و نظارت مستقیم در امر فرهنگ را برای هیئت دولت‌ها پیش آورد.

تأسیس از تفکیک و تقسیم وظایف در دوره‌های مختلف تاریخ مشروطیت، هدف دولت‌ها در زمینه امور مربوط به فرهنگ، پرورش استعداد‌های گوناگون افراد کشور، به منظور بهبود زندگانی و تربیت اجتماعی و اخلاق از طریق آموزش و پرورش بود. تأمین هدف فوق در سطوح مختلف، در دوران تمرکز فعالیت دولت

۱- پیشین، ص ۳۰۱

۲- طرح قانون، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

در یک شبکه وزارتی، وظایف اساسی و کلی و معینی را به موجب لوایح قانونی مصوب در دوره‌های مختلف تاریخ بر عهده وزارت فرهنگ گذاشته است.<sup>۱</sup>

به موجب اولین لایحه قانونی اداری معارف، مصوب ۲۸ شعبان ۱۳۲۸، وزارت علوم تأسیس و وظایف اساسی وزیر این وزارتخانه به موجب ماده دوم از فصل دوم لایحه چنین بیان می‌شود:

وظایف وزیر:

- ۱- مسئولیت صحت معارف اداره هر شعبه؛
- ۲- اجرای قوانین موضوعه در ترویج معارف و تصحیح امور اوقاف؛
- ۳- تهیه اسباب تحصیلات ابتدایی مجازی اجباری و تعمیم تحصیلات متوسطه و عالی؛
- ۴- ترتیب شعب ادارات وزارتخانه در ایالات و ولایات؛
- ۵- حفظ ارتباط اداره معارف ایران با سایر دول؛

«به موجب ماده ۵ قانون مذکور، دولت نه تنها تعمیم سواد در سطح ابتدایی را به دولت‌های وقت توصیه می‌کند، بلکه گسترش تعلیم در سطح عالی و پرورش متخصص فنی را از طریق تأسیس و ایجاد سازمان‌های عالی آموزش و اعزام دانشجویان به خارج را از جمله تکالیف وزارتخانه معارف قرار می‌دهد».<sup>۲</sup>

به موجب این لایحه، نظارت در امور اوقاف، همچنین حفظ آثار باستانی و هنرهای ملی، از تکالیف این وزارتخانه می‌باشد و شرح مواد لایحه مذکور از نظر تعیین دامنه وظایف و اهمیت تاریخی آن شایان یادآوری است. در مواد ۵ و ۶ این قانون آمده است:

#### ماده پنجم - وظایف اداره معارف

- ۱- مراقبت در امور تعلیمات عالی، فرستادن شاگرد به خارجه؛
- ۲- تشکیل کتابخانه عمومی و مجموعه‌های علمی و تاریخی؛
- ۳- تأسیس موزه‌های تاریخی و علمی و صنعتی؛
- ۴- تحصیل عتیقیات و نظارت در حفاریات؛
- ۵- نگهداری آثار قدیمه و حفظ آنها از اندراس و فنا؛
- ۶- نگهداری اشیای نفیسه و سایر اموال امکنه مقدسه و غیرها که ودایع ملی در آنجا هست؛
- ۷- تأسیس قرائت‌خانه، کتابخانه، مجمع‌های علمی و ادبی در مرکز و ایالات و ولایات.

#### ماده ششم - وظایف اداره اوقاف

- ۱- تحصیل صورت صحیح از وقف نامه‌ها و موقوفات مرکزی و ایالتی و ولایتی و بلوکات در کل ممالک ایران؛
- ۲- نظارت کلیه بر اموال متولیان و نظار و تفتیش در وصول و ایصال عایدات و اوقاف و ممانعت از حیث و میل اولیا و مباشران وقف نسبت به اعیان و منافع موقوفات و تدارک موجبات آبادی آنها؛
- ۳- اداره کردن موقوفاتی که تولیت آنها مستقیماً راجع به شخص سلطان عصر یا دولت است؛
- ۴- مراقبت در صرف عایدات اوقاف به مصارف مخصوصه خودش حسب، ما اوفقها اهلها؛ (جمله عربی است و نیاز به جداسدن به صورت ویرایش فارسی ندارد).
- ۵- اهتمام در صرف منافع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در مطلق بریات صرف شود در مصارف

۱. شجعی، زهرا، «نخبگان سیاسی ایران، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی»، جلد اول، ص ۳۴۲.  
۲. پیشین، ص ۳۴۳.

## تعلیمات و فواید عمومی:

۶- اداره کردن موقوفاتی که متولی مخصوص ندارد به موجب اذن از طرف یکی از حکام شرع. در مرداد ماه سال ۱۳۲۱ هجری شمسی قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی به تصویب رسید، (ضمیمه ۳)<sup>۱</sup> و براساس آن دولت وقت مکلف گردید که از سال ۱۳۲۲ به مدت ۱۰ سال تعلیمات (آموزش و پرورش) ابتدایی را در تمام کشور به تدریج عمومی و اجباری سازد. آموزش و پرورش در دبستان‌های دولتی در تمام کشور مجانی اعلام گردید به طوری که به هیچ عنوان نباید از دانش‌آموزان وجهی مطالبه شود و باید به دانش‌آموزان بی‌بضاعت کتاب درسی مجانی داده شود.

در سال ۱۸ آذرماه سال ۱۳۴۳، لایحه تفکیک وزارت فرهنگ و هنر به تصویب رسید و این لایحه وظایف پیچیده وزارت فرهنگ در زمینه‌های امور آموزش و پرورش، بسط و اشاعه فرهنگ و هنر، حفظ آثار گرانبهای تمدن باستانی کشور و نیز موقوفات را سنگین و متنوع تشخیص داد و از آنجا که رسیدگی دقیق و سریع به امور مذکور به وسیله یک وزارتخانه امکان‌پذیر می‌نمود. دامنه وظایف این وزارتخانه را به متمرکز ساختن فعالیت‌های آموزش و پرورش در سطوح مختلف محدود ساخت و بر طبق ماده ۳ وظایف مربوط به پیشرفت فرهنگ و هنر و حفظ و توسعه و شناساندن میراث کهن و تمدن باستان، بر طبق ماده ۴ نظارت در امر موقوفات و بر طبق ماده ۵ امور محول به شورای عالی فرهنگ از وزارت فرهنگ متنزع گردید.

## ضمیمه ۱- قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مصوبه ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۲۸ قمری

### فصل اول - ترتیب شعب ادارات مرکزی

ماده اول- ادارات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از قرار ذیل است:

- ۱- دایره وزارت مشتمل بر وزیر و کابینه وزیر؛
- ۲- مدیر کل؛
- ۳- اداره تعلیم عمومی؛
- ۴- اداره معارف؛
- ۵- اداره اوقاف؛
- ۶- دایره تحقیقات؛
- ۷- دایره تفتیش؛
- ۸- دایره محاسبات؛
- ۹- هیئت شورای معارف.

۱. لوح قانون، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

## فصل دوم - وظایف وزیر و اعضای ادارات

ماده دوم - وظایف وزیر:

- ۱- مسئولیت صحت مصارف اداره هر شعبه؛
- ۲- اجرای قوانین موضوعه در ترویج معارف و تصحیح امور اوقاف؛
- ۳- تهیه اسباب تحصیلات ابتدایی مجانی اجباری و تعمیم تحصیلات متوسطه و عالی؛
- ۴- ترتیب شعب ادارات و زارخانه در ایالات و ولایات؛
- ۵- حفظ ارتباط اداره معارف ایران با سایر دول.

ماده سوم - وظایف مدیرکل:

- ۱- مسئولیت امور اداره در نزد وزیر؛
- ۲- تدارک موجبات پیشرفت امور ادارات؛
- ۳- تصدیق مراتب لیاقت اجزا و استحقاق آنها در نیل به مراتب و درجات عالی تر؛
- ۴- تعیین حدود و حقوق اجزا و اظهار آن در راپرت هایی که به دولت یا به مجلس شورای ملی تسدیم می شود؛
- ۵- ترتیب نظامنامه ها و مواظبت در اجرای آنها؛
- ۶- نظارت در اثاثیه ادارات مرکزی؛
- ۷- ترتیب بودجه وزارخانه؛
- ۸- امضای احکام و قراردادهای اداره قبل از امضای وزیر؛
- ۹- تصدیق راپرت های اداره ای که به امضای مدیران ادارات است؛
- ۱۰- نظارت در مالیه وزارخانه و محاسبه آنها؛
- ۱۱- امضا در موارد ذیل عوض وزیر در صورتی که وزیر اجازه داده باشد:  
اولاً - در تعیین مدت اجازه مرخصی اجزا جزو و غیره از رؤسا؛  
ثانیاً - اجرای سیاست و مجازات اداره در حق اجزا جزو؛  
ثالثاً - توقیف مقرری و عزل اجزا جزو و موافق قانون تشکیلات اداره و قانون استخدام؛  
رابعاً - امضا و قبول مخارج و مصارفی که از صد تومان تجاوز نکند و مبنی برقرار نامه باشد یا سابقاً به موجب دست خط یا امضای وزیر جاری شده باشد؛  
خامساً - تحدید تکالیف و وظایف خدمه وزارخانه؛  
سادساً - تهیه یادداشت های راجع به امور مالیه وزارخانه که باید به دیوان محاسبات تحویل شود.

ماده چهارم - وظایف اداره تعلیم عمومی:

- ۱- مراقبت در امور تعلیمات ابتدایی و متوسطه؛
- ۲- کسب اطلاع از دوران مدارس مرکزی و بلوکی و ایالات و ولایات؛
- ۳- ترتیب راپرت های لازمه در تنظیمات مقتضیه و پیشرفت تعلیمات در مکاتب و مدارس و ترتیب لوايح در تشریح نواقص و انتشار آنها در روزنامه جات؛
- ۴- احصا مکاتب و مدارس مملکت و احصای شاگردان در طبقات ثلاثه؛
- ۵- تدارک معلمین از برای فنون و علوم و تدریس در مدارس؛

۶- ترتیب کلاس های درس برای اکابر؛

۷- تهیه وسایل برای پیشرفت کار مکاتب و طبع کتب؛

۸- ایجاد مدارس مجانی برای ایتم؛

۹- ایجاد مدارس شبانه روزی برای شاگردان خارج و داخل که بخواهند در مرکز تحصیل کرده باشند.

ماده پنجم - وظایف اداره معارف:

۱- مراقبت در امور تعلیمات عالی و فرستادن شاگرد به خارجه؛

۲- تشکیل کتابخانه و مجموعه های علمی و تاریخی؛

۳- تأسیس موزه های تاریخی و علمی و صنعتی؛

۴- تحصیل عتیقیات و نظارت در حفاریات؛

۵- نگاهداری آثار قدیمه و حفظ آنها از اندراس و فنا؛

۶- نگاهداری اشیای نفیسه و سایر اموال امکنه مقدسه و غیره که ودایع ملی در آنجا هست؛

۷- تأسیس قرائتخانه و کتابخانه و مجمع های علمی و ادبی در مرکز و ایالات و ولایات.

ماده ششم - وظایف اداره اوقاف:

۱- تحصیل صورت صحیح از وقفنامه ها و موقوفات مرکزی و ایالتی و ولایتی و بلوکات در کل ممالک ایران؛

۲- نظارت کلیه بر اعمال متولیان و نظار و تفتیش در وصول و ایصال عایدات اوقاف و ممانعت از حیف و میل اولیا و مباشرین وقف نسبت به اعیان و منافع موقوفات و تدارک موجبات آبادی آنها؛

۳- اداره کردن موقوفاتی که تولیت آنها مستقیماً راجع به شخص سلطان عصر یا دولت است؛

۴- مراقبت در صرف عایدات اوقاف به مصارف مخصوصه خودش سلب ما اوقفها اهلها؛

۵- اهتمام در صرف منافع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در مطلق بریات صرف شود در مصارف تعلیمات و فوائد عمومی؛

۶- اداره کردن موقوفاتی که متولی مخصوص ندارد به موجب اذن از طرف یکی از حکام شرع.

ماده هفتم - وظایف اداره تحقیقات:

۱- تسویه اختلافات بین متولی و نظار اوقاف و خدمه و موظفین موقوفات؛

۲- تحقیق نوشتجات و اسناد راجعه به اوقاف و رجوع به عدنیه در صورت لزوم؛

۳- تحقیق جمع و خرج و عایدی اوقاف مختلفه؛

۴- تحقیق و تمیز املاک موقوفه از املاک شخصی.

ماده هشتم - وظایف دایره تفتیش:

۱- تفتیش در مدارس ابتدائیه و متوسطه و عالی و ملاحظه نظافت و حفظ صحت آنها؛

۲- تفتیش در اجرای نظامنامه ها و محاسبات و عایدات و کیفیت جریان امور در کلیه ادارات وزارتخانه؛

۳- تقدیم راپرت های هفتگی و ماهیانه و سالیانه از اوضاع مدارس و اوقاف و پیشرفت کار تعلیمات و کتب رایجه در مکاتب و کیفیت امور سایر ادارات وزارتخانه.

ماده نهم - وظایف دایره محاسبات:

۱- ترتیب و نگاهداری کتب و دفاتر و اوراق لازمه برای حقوق اجزا وزارتخانه و حساب کلیه وجوه عایده

اداره معارف و اوقاف:

۲- ترتیب صورت‌های ماهیانه از برای هیئت شورای معارف و صورت‌های شش ماهه در روزنامه.

ماده دهم - وظایف هیئت مشاوره:

۱- حل غوامض امور معارف؛

۲- تسویه اختلافات بین مکاتب و مدارس؛

۳- رد و قبول تألیفات معینه برای مدارس و مکاتب؛

۴- مشورت در تدارک نواقص تعلیمات و لوازم تحصیلات ثلاثه از وجوه اعانه و غیره و ترجیح بعضی تدارکات به مقتضیات حال؛

۵- تعیین مصرف وجوه فوق‌العاده که به رسم هدیه و اعانه می‌رسد و وجوه موقوفات که به اختیار وزارت معارف گذارده شده باشد؛

۶- معاونت فکری به وزیر در هر نوع مسئله و مشکلی که به آن هیئت رجوع شود.

### فصل سوم<sup>۱</sup> - ترتیب ادارات معارف و اوقاف در ایالات و ولایات

ماده یازدهم - برای ایفا به وظایف مذکوره علاوه بر ادارات مرکزی در ایالات و ولایات نیز شعبه‌ها بر حسب لزوم تأسیس می‌شود.

ماده دوازدهم - اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که تولیت آنها مستقیماً راجع به شخص سلطان عصر است با اجازه سلطان عصر خواهد بود.

### ضمیمه ۲- قانون اساسی معارف

مصوبه پنجشنبه دهم شهر ذی‌قعدہ ۱۳۲۹ قمری مطابق با نهم عقرب

ماده ۱- مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی اینان نوع دائر می‌گردد.

ماده ۲- پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد و باید در پروگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نمای بدنی ملحوظ باشد.

ماده ۳- تعلیمات ابتدائیه برای عموم ایرانیان اجباری است.

ماده ۴- طریق تحصیل آزاد است. لیکن هر کس باید آن اندازه از معوماتی را که دولت برای درجه ابتدایی معین نموده تحصیل کند.

ماده ۵- هر کس مکلف است اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معومات ابتدائیه و ادار، اعم از این که در خانه باشد یا در مدرسه.

ماده ۶- در صورت لزوم طبیی یا وجود مانع با اطلاع مأمورین معارف، تأخیر شروع در ارسال طفل به مکتب جایز است.

ماده ۷- ملل غیراسلامی در مدارس دولتی حق تقاضای تحصیل مذهب خودشان را ندارند و مجبور به تحصیل شرعیات اسلامی نیز نخواهند بود.

۱ فصل سوم مشتمل بر ماده ۱۱ و ۱۲ در تاریخ ۲۹ جمادی‌الثانیہ ۱۳۲۹ قمری به قانون فوق‌ضمیمه و تصویب شده است.

- ماده ۸- مکاتب و مدارس بر دو قسمت است رسمی و غیررسمی:
- رسمی آن است که از طرف دولت دایر شده باشد - غیررسمی آن است که بانی مخصوص داشته باشد.
- ماده ۹- هر کس مدرسه غیررسمی افتتاح کند باید به اطلاع دولت برساند.
- ماده ۱۰- کسی که می خواهد مدرسه افتتاح کند باید رعایت شرایط ذیل را بنماید:
- ۱- مدیر مدرسه کمتر از سی سال نباید داشته باشد.
  - ۲- بنای مدرسه را موافق ملاحظات حفظ الصحه که از طرف وزارت معارف مقرر شده است فراهم نماید.
  - ۳- در مدارس ابتدایی مدیر باید دارای تصدیقنامه تحصیلات مدارس متوسطه و در مدارس متوسطه دارای تصدیقنامه تحصیلات عالی باشد.
  - ۴- مدیر مدرسه باید معروف به سو عقیده و اخلاق و عادات ذمیمه نبوده مرتکب جنحه و جنایتی نشده باشد و معلمینی را هم که انتخاب می کند باید علاوه بر شرایط مزبوره هر کدام در فن خود تصدیق رسمی وزارت معارف را دارا باشند.
- ماده ۱۱- هر کس در هر جا تحصیل کرده باشد تا در مقام امتحان رسمی بر نیامده است در مدارس رسمی دولتی پذیرفته نخواهد شد.
- ماده ۱۲- مفتشین دولتی در کل مدارس و مکاتب رسمی و غیررسمی حق ورود و تفتیش دارند و هیچ مدیری در هیچ موقعی حق مخالفت ندارد.
- ماده ۱۳- مدرسی که از اموال اوقاف دایر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ صحتی و ترتیب تعلیمات و امتحانات و غیرها تا اندازه ای که با غرض واقف موافقت کند در تحت نظارت وزارت معارف است.
- ماده ۱۴- وزارت معارف باید تدریس کتبی را که مضر به اخلاق و دین محصلین است ممنوع نماید و کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس بشود.
- ماده ۱۵- مدارس و مکاتب بر چهار نوع است:
- ۱- مکاتب ابتدایی دهکده؛
  - ۲- مکاتب ابتدایی بلدی؛
  - ۳- مدارس متوسطه؛
  - ۴- مدارس عالی.
- ماده ۱۶- هر یک از مکاتب و مدارس چهارگانه پروگرام مخصوص قانونی خواهد داشت و وزارت معارف مسئول اجرای آن پروگرام هاست.
- ماده ۱۷- پروگرام مکاتب و مدارس ابتدایی و متوسطه باید تعظیم واجبات دینی را به قدر لزوم شامل باشد.
- ماده ۱۸- وزارت معارف ترتیب درجات و مراتب تحصیلی را معین نموده. برای هر کدام امتحانات و تصدیقنامه ها برقرار خواهد نمود که دخول در خدمات دولتی موقوف به داشتن آن تصدیقنامه ها خواهد بود.
- ماده ۱۹- در هر ده و در هر محله از قصبات یک مکتب ابتدایی دهکده دایر می شود.
- ماده ۲۰- در شهرها بر حسب عده نفوس و حاجت اهالی و کفایت مالیه محلیه یک یا چندین مدرسه ابتدایی و متوسطه دایر خواهد شد.
- ماده ۲۱- مدارس عالی در تهران و در مراکز عمده دایر خواهد شد.

- ماده ۲۲- مخارج مدارس ابتدائیه در قصبات و بلاد به عهده دولت و مخارج آنها از محل مالیاتی که در هر محل به موجب قانون برقرار می شود پرداخته خواهد شد.
- ماده ۲۳- مخارج مکاتب دهکده نیز بر عهده دولت و به موجب قانون از مالکین دهکده و اهالی دریافت خواهد شد.
- ماده ۲۴- مخارج مدارس غیرمجاننی دولتی از محل حق التعلیمی است که از شاگردان اخذ می شود و چنانچه کسری داشته باشد بر عهده دولت است.
- ماده ۲۵- مکاتب و مدارس مجاننی که به خرج دولت اداره می شود فقط برای تمتع اطفال فقرا و اشخاصی است که رسماً عدم بضاعت آنها از طرف مأمورین رسمی محلی تصدیق شده باشد.
- ماده ۲۶- ابنیه متعلقه به مکاتب و مدارس و سایر متعلقات مدارس از منقول و غیرمنقول در تحت نظارت وزارت معارف است.
- ماده ۲۷- قبول محصلین بی بضاعت در مدارس متوسطه و عالی به طور مجاننی به موجب قانون مخصوص خواهد بود.
- ماده ۲۸- مجازات بدنی در مکاتب و مدارس ممنوع است.

### ضمیمه ۳- قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجاننی

مصوب ششم مرداد ماه ۱۳۲۱

- ماده اول- دولت مکلف است از سال ۱۳۲۲ تا مدت ده سال تعلیمات (آموزش و پرورش) ابتدایی را در تمام کشور به تدریج عمومی و اجباری سازد.
- ماده دوم- دوره تعلیمات ابتدایی اجباری شش سال است. برنامه تحصیلات و کتابهای دبستانی با رعایت مقتضیات نقاط مختلف کشور ممکن است متنوع باشد. تألیف طبع کتابها را وزارت فرهنگ با رعایت اصول آموزش و پرورش خاصه، تربیت اخلاقی و تقویت حس دینی کودکان عهده دار خواهد بود.
- تبصره- وزارت فرهنگ می تواند تا زمانی که وسایل کافی در اختیار ندارد و مقتضی می داند تحصیلات را در کلاس ۵ و ۶ اختیاری قرار دهد. مشروط بر این که این مدت از تاریخ تصویب این قانون از پنج سال تجاوز نکند.
- وزارت فرهنگ مکلف است در برنامه این دو کلاس تجدیدنظر به عمل آورده آموختن مقدمات حرف و صنایع و کشاورزی را با رعایت مقتضیات هر محل در آن بگنجاند.
- ماده سوم- آموزش و پرورش در دبستانهای دولتی در تمام کشور مجاننی است و به هیچ عنوان نباید از دانش آموزان وجهی مطالبه شود. به دانش آموزان بی بضاعت کتاب درسی مجاننی داده خواهد شد.
- ماده چهارم- در نقاطی که وسایل تعلیمات اجباری فراهم گردیده وزارت فرهنگ اجباری بودن آن را در فروردین ماه پس از صحه ملوکانه اعلام می نماید.
- ماده پنجم- در نقاطی که طبق ماده چهارم اجباری بودن عملیات اعلام شده است، اهالی مکلفند اطفال خود را که سن شان شش سال تمام باشد در شهریور ماه در دبستانها نام نویسی کنند. هرگاه طفلی به واسطه بیماری نتواند در موقع مقرر مشغول تحصیل شود، ولی او موظف است او را بلافاصله پس از رفع نقاهت به دبستان معرفی نماید.

**تبصره -** اداره کل آمار مکلف است همه ساله آمار کودکان شش ساله نقاط مختلف کشور را به وزارت فرهنگ تسلیم نماید.

**ماده ششم -** هرگاه ولی طفل در موعد مقرر بدون داشتن عذر موجه، طفل خود را برای تحصیل منظم به دبستان نسیارد علاوه بر این که مجبور است غفلت خود را جبران کند به پرداخت ده ریال جریمه محکوم می گردد.

وجوه حاصله از این جرایم به مصرف تهیه کتاب و لوازم تحصیل برای دانش آموزان بی بضاعت خواهد رسید.

**ماده هفتم -** در هر نقطه که دبستان دایر می شود وزارت بهداری و شهرداری محل باید با نظر وزارت فرهنگ وسایل معاینه طبی دانش آموزان را به قسمی فراهم سازند که هر یک از آنان در عرض سال تحصیلی لااقل دو بار مورد معاینه پزشک واقع شود و نیز مکلفند وسایل مداوای مجانی دانش آموزان بی بضاعت، خاصه مبتلایان به تراخم را فراهم سازند.

**ماده هشتم -** دولت مکلف است همه ساله اعتبارات لازم را در بودجه کل کشور برای ساختمان و تأسیس و نگهداری دبستان ها و تربیت آموزگار و به طور کلی تأمین اجرای این قانون در مدت مقرر پیش بینی نماید. **تبصره ۱ -** شهرداری ها مکلفند در حدود قوانین مربوطه در تهیه وسایل ساختمان مدارس و توسعه معارف طبق آیین نامه مخصوص با وزارت فرهنگ تشریک مساعی نمایند.

**تبصره ۲ -** ساختمان همه دبستان ها مطابق نقشه هایی خواهد بود که مهندسان مخصوص وزارت فرهنگ باید متناسب با آب و هوا و موقعیت نقاط مختلف کشور با رعایت اصول بهداشتی تهیه نمایند. در قرأ و قصبات ساختمان دبستان ها با مساعدت مالکین طبق آیین نامه مخصوص به عمل خواهد آمد.

**ماده نهم -** برای تربیت و تهیه آموزگاران به عده کافی از سال تحصیلی ۱۳۲۲ وزارت فرهنگ مکلف است اقدامات زیر را به عمل آورد:

**الف -** در سال اول دانش سرهای مقدماتی لااقل یک ثلث بیشتر از سال های پیش دانش آموز واجد شرایط بپذیرد و در صورت لزوم کلاس ها را متعدد کند.

**ب -** در شهرهایی که فعلاً دانشسرا نیست در صورت لزوم به تأسیس آن مبادرت نماید.

**ج -** در دانشسراها یا دبیرستان ها یا دبستان ها کلاسی به نام کلاس کمک آموزگاری تأسیس کند که شرط ورود به آن داشتن گواهینامه تحصیلات شش ساله ابتدایی و دوره اش یک یا دو سال باشد. آموزگاران که لااقل پنج سال تدریس متوالی یا ده سال تدریس متناوب داشته باشند می توانند بدون شرط مذکور در این کلاس ها پذیرفته شوند. یک یا دو سالی که برای دوره کلاس ها معین گردیده جزو سابقه خدمت آنان محسوب خواهد شد.

**ماده دهم -** تحصیل در کلاس های کمک آموزگاری، مجانی خواهد بود. به علاوه کمک هزینه تحصیل که میزان آن را وزارت فرهنگ معین خواهد کرد به دانش آموزان پرداخته می شود. دانش آموزان هنگام ورود تعهد کتبی خواهند سپرد که پس از فراغت از تحصیل دو برابر مدت تحصیل را موظفاً آموزگاری کنند والا سه برابر کمک هزینه دریافتی را به صندوق دولت بپردازند.

**ماده یازدهم -** دولت موظف است کسانی را که از کلاس کمک آموزگاری گواهینامه فراغت تحصیل گرفته اند و کمک آموزگار خوانده خواهند شد با رعایت شرایط مقرر در فقرات ۱ و ۳ و ۴ ماده دوم قانون استخدام

کشوری در دبستان‌ها به خدمت بگمارد.

**ماده دوازدهم -** هر یک از مشاغل کمک آموزگار و آموزگار و دبیر و دانشیار و استاد و پزشک بیمارستانی ضمیمه دانشکده پزشکی به ده پایه تقسیم می‌شود. حداقل مدت توقف در پایه‌های ۱ تا ۳ یک سال و در پایه‌های ۴ تا ۶ دو سال و از پایه ۷ به بالا سه سال خواهد بود. حقوق پایه یک کمک آموزگار برابر مقرری دریافتی پایه یک اداری و حقوق پایه یک آموزگاری یک برابر و نیم حقوق پایه یک کمک آموزگار و حقوق پایه یک دبیری دو برابر حقوق پایه یک دانشیاری سه برابر حقوق پایه یک آموزگار خواهد بود. آموزگار و حقوق پایه یک در موقع ارتقای از پایه‌ای به پایه بالاتر در مورد کمک آموزگاران و آموزگاران تا پایه ۵ یک پنجم حقوق پایه مادون و از پایه ۶ به بالا یک هشتم حقوق پایه مادون و در پایه‌های دبیری یک هشتم حقوق پایه مادون و در پایه‌های دانشیاری معادل یک دهم حقوق پایه مادون علاوه خواهد شد. حقوق هر پایه استادی به اندازه یک دهم از حقوق همان پایه دانشیاری بیشتر خواهد شد.

**تبصره ۱ -** کمک آموزگاران و آموزگاران و دبیرانی که متأهل هستند ثلث حقوق پایه یک خود را به عنوان فوق‌العاده تأهل دریافت خواهند داشت.

**تبصره ۲ -** وزارت فرهنگ می‌تواند از میان دبیران و با تصویب شورای دانشگاه از میان استادان و دانشیاران و دبیران دانشگاه کسانی را برای ریاست و نظامت کلاس‌های کمک آموزگاری و دانشسراها و دبیرستان‌ها و همچنین برای بازرسی و خدمات فنی و معاونت دانشکده‌ها بر طبق آیین‌نامه مخصوص انتخاب نماید. این اشخاص در مدت اشتغال به یکی از این کارها تا پایه پنج نصف حقوق و از پایه شش به بالا ثلث حقوق پایه خود را اضافه دریافت خواهند نمود. این اشخاص موظفند تمام اوقات رسمی را به خدمات مرجوعه صرف نمایند و به هیچ وجه حق اشتغال در بنگاه‌های دیگر دولتی و غیردولتی نخواهند داشت.

**تبصره ۳ -** مواد ۱۰ و ۱۱ قانون تربیت معلم مصوب اسفند ۱۳۱۲ و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون تأسیس دانشگاه مصوب خرداد ۱۳۱۳ و ماده واحده مصوب پنجم آبان ماه ۱۳۱۷ و مواد ۴ و ۵ و ۱۱ قانون اصلاح قانون تأسیس دانشگاه، مصوب آبان ۱۳۱۹ و تبصره ۱ ماده اول قانون ششم آبان ۱۳۲۰ نسبت به آنچه با این ماده مغایرت دارد ملغی می‌باشد.

**ماده سیزدهم -** هرگاه در نقاضی که تعلیمات عمومی اجباری اعلام گردیده آموزگار و کمک آموزگار تربیت یافته به قدر کافی موجود نباشد، وزارت فرهنگ می‌تواند کسانی را که لااقل دارای گواهینامه شش ساله ابتدایی یا تحصیلاتی معادل آن هستند به آموزگاری چهار کلاس اول ابتدایی و کسانی را که تحصیلات سه ساله اول متوسطه یا معادل آن را دارا می‌باشند به آموزگاری کلاس‌های پنج و شش ابتدایی با رعایت جهات اخلاقی و استعداد آنان برای تدریس انتخاب و به طور قرارداد استخدام نموده به کار بگمارد.

**تبصره -** هیچ‌گاه وزارت فرهنگ نمی‌تواند با داشتن آموزگار و کمک آموزگار تربیت شده به استخدام آموزگاران قراردادی بپردازد و به طور کلی استخدام معلم قراردادی جدید، فقط در صورتی مجاز است که معلم رسمی مشمول این قانون و قانون تربیت معلم مصوب اسفند ۱۳۱۲ و قانون دانشگاه مصوب هشتم خرداد ۱۳۱۳ به قدر کافی موجود نباشد.

**ماده چهاردهم -** به کمک آموزگاران و آموزگاران و دبیرانی که در خارج از محل اقامت خود خدمت می‌نمایند باید از طرف دولت منزل داده شود و در غیر این صورت، کرایه خانه متناسب هر محل به تشخیص وزارت فرهنگ و بر طبق آیین‌نامه مخصوص، علاوه بر حقوق و فوق‌العاده‌های دیگر به آنها پرداخت خواهد

شد.

ماده پانزدهم - وزارت فرهنگ می تواند آموزگاران و مدیران قراردادی را که دارای گواهی نامه دوره اول متوسطه و لااقل پنج سال سابقه خدمت آموزگاری در مدارس دولتی باشند به عنوان آموزگار و در صورتی که این گواهی نامه را نداشته ولی پنج سال سابقه تدریس در مدارس دولتی داشته باشند به عنوان کمک آموزگار استخدام نماید و همچنین می تواند دبیران قراردادی را که لااقل دارای ده سال سابقه تدریس در دبیرستان یا این که دارای دیپلم متوسطه و پنج سال سابقه تدریس در دبیرستان باشند با رتبه دبیری به خدمت رسمی بپذیرد و مأخذ تعیین درجه این کمک آموزگاران و آموزگاران و دبیران، آخرین حقوقی خواهد بود که قبل از دی ماه ۱۳۲۱ از وزارت فرهنگ دریافت داشته اند.

ماده شانزدهم - وزارت فرهنگ آیین نامه هایی را که برای اجرای این قانون لازم خواهد بود تهیه و پی از تصویب کمیسیون فرهنگ مجلس شورای ملی به موقع اجرا خواهد گذاشت.

این قانون که مشتمل بر شانزده ماده است در جلسه ششم مرداد ماه ۱۳۲۲ به تصویب مجلس شورای ملی

رسید.